



Effective Factors in Interpretation or Reading the Islamic Architectural Based on Transcendent Wisdom

ARTICLE INFO

Article Type

Original Research

Authors

Sedighi R.¹ MSc,
Panahi S.^{*2} PhD,
Foroutan M.³ PhD,
Dibadj A.M.⁴ PhD

How to cite this article

Sedighi R, Panahi S, Foroutan M, Dibadj A.M. Effective Factors in Interpretation or Reading the Islamic Architectural Based on Transcendent Wisdom. Naqshejahan- Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning. 2021;10(4):295-303.

ABSTRACT

Aims This study presents the factors influencing the interpretation or reading of Islamic architecture based on transcendent wisdom. The existence cognition of the human living environment allows humans to discover the universe again as definite integrity of the essence of existence. Since the foundation of transcendent wisdom is the science of existence, it helps to read architecture based on transcendent wisdom to find what makes eternity in architecture.

Methods The research method is descriptive-analytical in a logical argument through a qualitative approach. The research frame was established on the intertextuality pillars such as beliefs, values, geography, and customs.

Findings The research finding emphasizes the importance of effective factors in interpretation or reading the Islamic architectural based on transcendent wisdom to read Islamic architecture.

Conclusion The process of this research has concluded that the architectural interpretation using Mulla Sadra's philosophy from the path of recognizing the architect, the fields of understanding and pre-perception of him is taken from the existential level of a human who is substance theory towards meridian in time essence and its relativity and in the instinctual, innate, and voluntary dimensions, influenced by the intertextuality of culture, which is possible in all its pillars (beliefs, values, geography, customs).

Keywords Persian Architecture; Transcendent Wisdom; Existence Cognition; Architectural Design; Intertextuality

CITATION LINKS

[1] Genius loci: Towards a phenomenology ... [2] Contemporary architecture ... [3] Education of architectural ... [4] Discourse of high-performance architecture: A method to understand ... [5] The role of dynamic equilibrium in the continuous perception of in Iranian ... [6] Future of interactive architecture in developing countries: Challenges and opportunities ... [7] Islamic art, challenges with new horizons and ... [8] Wisdom of Islamic architecture: Recognition of Iranian Islamic ... [9] Conceptual approach in Persian ... [10] Realization of Islamic identity in ... [11] Data mining of the spatial structure of Qajar native housing; Case study: Jangjouyan ... [12] ata mining and content analysis of the jury citations of the Pritzker ... [13] Learning traditional architecture for future energy-efficient architecture in the country; Case ... [14] Dilemma of green and pseudo green architecture based on LEED norms in case of ... [15] Designerly approach to energy efficiency in high-performance ... [16] Optimisation of building shape and orientation for better energy ... [17] Howard's and Safavid's garden cities' principles ... [18] The creation of an architectural work within the creation of the universe regarding the Holy ... [19] Explaining design dimensions of ecological ... [20] Climate impact on architectural ornament analyzing the shadow of Khavoons in Dezful historical context with the use of image ... [21] Design with nature in bio-architecture with emphasis on the hidden rules of natural ... [22] Wisdom of Islamic architecture, a deep analysis to structure and contents of luster altar of Razavi Holy ... [23] A reflection on methodology ... [24] Surveying and criticizing the viewpoint of traditionalists on Islamic ... [25] Criticism of critical realism based on new Sadra's ... [26] Analyzing the position of mystical intuition, imagination and reason in Mola Sadra and Ibn Arabi ... [27] The Relationship between creativity and social intelligence in students at Allameh Tabatabai and Shahid Beheshti ... [28] The ontology of truthfulness from the perspective of Professor Javadi ... [29] Explanation of educational and cultural dimensions of globalization in the views of ... [30] Recognition of the architecture of Yazd in Atabakan period, using historical documents (Case study: Atabak Qotb-Al'Din's ...

¹Department of Architecture, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

²Department of Architecture, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran

³Department of Architecture, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran

⁴Department of Philosophy, Faculty of Literature and Humanities, Tehran University, Tehran, Iran

*Correspondence

Address: Department of Architecture, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran.

Phone: -

Fax: +98 (26) 33419425

Siamak_architecture@yahoo.com

Article History

Received: May 30, 2020

Accepted: November 11, 2020

ePublished: January 20, 2021

عوامل موثر در تفسیر یا خوانش معماری اسلامی بر مبنای حکمت متعالیه

رویا صدیقی MSc

گروه معماری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

سیامک پناهی* PhD

گروه معماری، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران

منوچهر فروتن PhD

گروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

سیدموسی دیباج PhD

گروه فلسفه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

اهداف: این پژوهش به شناخت عوامل موثر در تفسیر یا خوانش معماری اسلامی بر مبنای حکمت متعالیه می‌پردازد. وجودشناسی محیط زندگی بشری به انسان‌ها امکان کشف مجدد عالم را به مثابه تمامیتی متعین از ذات وجود متحقق، فراهم می‌آورد و از آنجا که زیربنای حکمت متعالیه را علم وجود تشکیل می‌دهد، لذا خوانش معماری بر مبنای حکمت متعالیه برای یافتن آنچه موجب جاودانگی در عرصه معماری است، کمک می‌کند.

روش‌ها: روش تحقیق پژوهش، روش توصیفی-تحلیلی به صورت استدلال منطقی با رویکرد کیفی است. برای چارچوب تحلیل از ارکان بینامتنیت فرهنگ اعم از باورها، ارزش‌ها، جغرافیا و آداب و رسوم استفاده شده است.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق بر اهمیت و جایگاه عوامل موثر در تفسیر یا خوانش معماری اسلامی بر مبنای حکمت متعالیه بر شناخت و کاربرد هرچه بیشتر آن دلالت دارد.

نتیجه‌گیری: فرآیند حاصل از این پژوهش به این نتیجه دست یافته است که تفسیر معماری با استفاده از فلسفه ملاصدرا از مسیر شناخت معمار، زمینه‌های فهم و پیش‌ادارک‌های او برگرفته از مرتبه وجودی شخص که با حرکت جوهری به سوی کمال در ماهیت زمان و نسبیت آن است و در ابعاد غریزی، فطری و ارادی متأثر از بینامتنیت فرهنگ در همه ارکانش (باورها، ارزش‌ها، جغرافیا، آداب و رسوم) میسر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: معماری ایرانی، حکمت متعالیه، وجودشناسی، طراحی معماری، بینامتنیت

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۲۱

*نویسنده مسئول: siamak_architecture@yahoo.com

مقدمه

تلاش برای فهم معماری در بستر زمینه‌ها و قواعد فرهنگی حاکم بر آن، با در نظر گرفتن معناداری رفتار انسان، توجه صاحب‌نظران در عرصه‌های مختلف علوم را به خود جلب نموده است. با خوانش معماری به عنوان متن برآمده از فرهنگ خاص، در پی ویژگی‌های متمایزکننده آن معماری هستیم تا آنچه که به زعم شولتز «روح دمیده شده در آن مکان است»^[1] را دریابیم. هویت بخش مهمی از زبان معماری است^[2] و خوانش ویژه آن زبان، نیازمند یک چارچوب نقد ترکیبی^[3] که روشی را برای بیان و تفسیر زبان‌شناسانه^[4] معماری مهیا نماید. مبانی نظری^[5-9] نشان می‌دهد که معماری اسلامی گنجینه‌ای بی‌پایان است که روزبه‌روز بر اهمیت خوانش دقیق آن افزوده می‌شود.

«بر اساس حکمت نظری و عملی اسلام، مسلمانان باید در کلیه شئون مادی و معنوی زندگی خود، هویت متناسب با فرهنگ و شریعت اسلام داشته و دارای مرزبندی مشخصی با سایر مکاتب فکری و عملی باشند. آیات و روایات متعددی برای لزوم تحقق هویت اسلامی در آثار و افکار مسلمانان بر پایه اصل «عدم تشابه مسلمین به پیروان سایر مکاتب» نقل شده است؛ از جمله می‌توان به روایت امیر مؤمنان علی^(ع) استناد نمود که می‌فرمایند: من تَشَبَهَ بِقَوْمٍ غَدَّ مِنْهُمْ یا روایت منقول از امام صادق^(ع): اَوْحَى اللَّهُ إِلَى النَّبِيِّ مِنَ انْبِيَاءِهِ: قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ لَیْلَتُسُوا لِبَاسَ اَعْدَائِهِ وَ لَا یَطْعَمُوا مَطَاعِمَ اَعْدَائِهِ وَ لَا یَسْلُکُوا مَسَالِکَ اَعْدَائِهِ فَيَکُونُوا اَعْدَائِهِ کَمَا هُمْ اَعْدَائِهِ»^[10]. بنابراین اهمیت خوانش معماری برای یافتن آنچه موجب شکوه و بالندگی و جاودانگی یک ملت در عرصه معماری است و همچنین نوع اندیشه‌های نابی که موجب چنین آثار اجتماعی است، آشکار می‌شود. بر همین اساس پژوهشگران متعددی در صدد خوانش هنر و معماری اسلامی برآمدند و هر یک با استفاده از روش و شیوه خاص به انجام این امر همت گماشتند و همچنین پژوهشگرانی حکمت متعالیه را به عنوان فلسفه‌ای که فرهنگ ما را تحت تاثیر قرار داده، مبنای کار خود قرار داده‌اند؛ اما کاری که در این مقاله صورت گرفته، یافتن مولفه‌های مستخرج از مبانی حکمی ملاصدرا برای تفسیر و خوانش معماری اسلامی است.

روش‌ها

از نظر روش‌شناختی منتخب پژوهش، نقد نمونه‌ها و ادبیات موضوع را می‌توان راهگشای آینده معماری دانست، چنین پژوهش‌هایی توسعه‌دهنده حیطه نظری در جهان معماری و شهرسازی محسوب می‌شوند^[11-14]. چنین رویکردی در ادبیات موضوع با عنوان رویکرد طراحانه به پژوهش^[15] شناخته می‌شود. مبانی روش‌شناختی منتخب پژوهش تاکید دارد که معماری در اصل موضوعی میان دانشی است^[16-18] و درک اجزای فرآیند طراحی معماری بدون خوانش زمینه و تحلیل رابطه زمینه با اثر معماری^[19-22] مقدور نیست. در پی شناخت معماری اسلامی بر مبنای حکمت اسلامی در پارادایم تفسیرگرا با رویکرد کیفی به روش استدلال منطقی و به شیوه استدلال قیاسی، از حکمت متعالیه که سرآمد و تکمیل‌کننده حکمت‌های قبل از خود است، بهره برده‌ایم. شیوه گردآوری داده‌ها، اسنادی-کتابخانه‌ای است. مطالعات این جستار به سه بخش تفکیک شده است: بخش اول، مطالعه در باب خوانش و تفسیر و بخش دوم شامل خوانش معماری اسلامی است. آنچه که در این نوشتار در خصوص بخش اول و دوم آمده، تنها اشاره‌ای به موضوعات مورد نظر دارد تا در حوصله مقاله گنجانده شده باشد و بحث تفصیلی در مورد آنها را به منابع مورد نظر ارجاع می‌دهد و بخش سوم به شناخت روش‌شناسی فلسفی و مقدمات مبانی حکمی ملاصدرا، بررسی پیش‌فرض‌های تفسیر در حکمت متعالیه و روش‌شناسی تفسیر

خودآگاهی مدرنیته یعنی ایده معناداری کل جهان را نشان می‌دهد. در شیوه هرمنوتیک، به چیزی فراتر از مفهوم ظاهری آن توجه می‌شود و سعی بر کشف و تفسیر مدلول و حقیقت الفاظ و جنبه‌های مستور و پنهان آنها است. از این‌رو، در فهم هرمنوتیک از یک اثر به مولفه‌هایی همچون نشانه (علامت یا پیام)، مفسر و مخاطب توجه شده و برای فهم دقیق آن، به جهانی که فرد در آن می‌زید و آن را به وجود آورده است، نزدیک می‌شویم و از این منظر، فهم یک اثر نیازمند تفسیر است^[24]. معماران، طراحان، متفکران، حکیمان و فیلسوفان هر یک در سیر زمان به‌نوعی خاص، پدیده معماری اسلامی را تفسیر کرده‌اند. در دو دهه اخیر، این خوانش‌های متعدد توسط تنی چند از محققین این عرصه دسته‌بندی و تحلیل شده‌اند. حکمت متعالیه و روش‌شناسی فلسفی آن در این پژوهش از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است. روش ابتکاری ملاصدرا به‌منظور وصول حقایق، نه نقلیات محض، نه تفکر صرف و نه یافته‌های کشفی و شهودی تنها است. زیربنا و بنیان حکمت متعالیه را علم وجود تشکیل می‌دهد که حسب آن، کل وجود همچون واقعیتهای منفرد که در جامه ماهیات مختلف درآمده و متعین شده است^[25]. به بیان ملاصدرا از آیه ۱۱۵ سوره بقره قرآن مجید: «اینما تولو فثم وجه الله» (نمودار ۱).

ملاصدرا می‌پردازد. با سیر شناخت وجودی انسان بر مبنای حکمت متعالیه، مولفه‌های تاثیرگذار بر تفسیر یا خوانش معماری اسلامی به‌دست آمد.

تفسیر در قرون وسطی ناظر به معانی و تاویل کتاب مقدس بوده و از قرن نوزدهم، به شکل دانشی منظم در دو شاخه نو کانتی‌ها و مکتب تاریخی آلمانی، شکل گرفت؛ در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی فرویدی با تاکید بر عینیت‌گرایی توسعه یافت. وضعیت جدید اسلام در جهان معاصر و ضرورت نقش‌آفرینی آن به‌عنوان منبعی غنی در سامان‌بخشیدن به هویت فرهنگی و تمدنی مسلمانان در پرتو علوم مبتنی بر معرفت دینی و توحیدی از یک‌سو و بازتولید متونی با جهت‌گیری‌های غیردینی و گاه متعارض با دین و اندیشه توحیدی در حوزه علوم انسانی در کشورهای اسلامی از سوی دیگر، مساله روش‌شناسی را به‌واسطه نقش قابل تامل آن در تولید علوم و معارف انسانی جایگاهی ویژه می‌بخشد^[23]. مباحث گادامر با هابرماس در مورد زبان و ریکور با ساختارگرایان در مورد روش از مهم‌ترین مباحث اندیشگرانه دهه‌های اخیر محسوب می‌شوند.

این رویکرد در تقابل با منطق عقلانیت ابزاری اثبات‌گرایی، با تاکید بر اهمیت زبان در ساختن جهان اجتماعی، عنصری مشترک در



نمودار ۱) نظریه‌های صدرالمتألهین مورد استفاده در این نوشتار

مبانی هستی‌شناسی ملاصدر، به بینش توحیدی و سلسله مراتب هستی مربوط است. بدین معنا که خداوند در مرکز این هستی و پس از آن، جهان انبیاء و ملائکه و سپس عالم هستی که سرای انسان است، جای دارند. بنابراین هستی‌شناسی کل‌گرا و وحدتگرا، دستگاه خلقت خداوند، هدفمند است^[26]. مبانی معرفت‌شناسی صدرالمتهلین در اسفار علم را از کیفیات نفسانی و مساوق وجود دانسته که همچون وجود حقیقتی تشکیکی دارد^[26]. عقل عملی با کاربست نتایج عقل نظری، مفاهیم و معانی انسانی یا آنچه علامه طباطبائی «اعتبارات اجتماعی» می‌خوانند، ابداع می‌کند و این الگو غالباً از اعتباراتی سرچشمه می‌گیرد که از تمایلات، تعاملات و مناسبات اجتماعی به‌دست آمده‌اند^[27-30] (نمودار ۲).

هنرمند به اثر هنری هستی می‌بخشد، بنابراین از منظر پدیدارشناسی هرمنوتیک، اثر هنری عرصه‌ای است که از طرفی امکان ظهور و تجلی عالم و جهان فرد در آن متصور است و از طرف دیگر فهم ما از جهان هنرمند وسعت یافته و افق جدیدی پیش روی ما بازمی‌گردد و عالمی که در اثر هنری ظهور می‌یابد، با عالم و جهان ما گره می‌خورد. فهم و تفسیر، محصول مواجهه متن و خوانش مفسر است. قصد مولف، متن، مفسر، زمینه‌های فهم، معنا، ظاهر و باطن و روش‌های تفسیر از مولفه‌های تاویل به‌شمار می‌آید. نگرش جامع ملاصدر، بر اساس اندیشه وحیانی‌ش موجب تفاوت نگاه او با سایر اندیشمندان این عرصه به‌رغم اشتراکاتشان است.

طبق نظر صدر، برای ادراک می‌توان قوس صعود و نزول در نظر گرفت. در قوس صعود، ادراک صور محسوسات می‌توانند به مرتبه معقولات ارتقا یابند. در این بخش، بحث از تاثیر محسوسات بر فهم وحی به‌ویژه در مرتبه پایینی آن، جایگاه ویژه‌ای دارد. همچنین بحث از تاثیر زبان بر تفکر و دریافت حقایق در این قوس ادراکی جای می‌گیرد. در قوس نزول، ادراک صور معقول و مخیل از عالم بالاتر، ابتدا در آئینه عقل و خیال منعکس می‌شود و پس از آن تنزل می‌یابد و می‌تواند در آئینه قوای مادون شکل بگیرد و بدین‌گونه، شنیده یا دیده شود. صدر به تطبیق سیر وجود و معرفت در خلقت پرداخته و این دو را کاملاً مطابق با هم می‌داند؛ بنابراین لازم است که فرد برای فهم معرفت وحیانی نازل‌شده در قالب الفاظ، مسیر از پایین به بالا را طی کرده و به معانی آنها در عالم بالاتر برود و همچنین تاثیر متن در این فرآیند با توجه به نقش الفاظ زبان بشری در هر دو قوس ادراکی آشکارتر می‌شود. زبان مانند پلی است که باید برای رسیدن به معانی از طریق الفاظ از آن عبور کرد. مرتبه وجودی مخاطب سرعت و سیر رسیدن به حقیقت معانی را تعیین می‌کند. تبیین این حکایت‌گری وجود تنزل‌یافته از وجود اعلی یا معرفت‌دانی از حقیقت عالی که با هم اشتراک معنایی دارند، برعهده تاویل است (نمودار ۳؛ جدول ۱).

پس از تعریف تاویل، نوبت به بررسی متن است و همان‌طور که اشاره شد، امر تاویل، مسیر عبور از ظاهر به باطن را نشان می‌دهد

که مهم‌ترین نقش را در بررسی مساله زبان دین در نگاه صدر ایفا می‌کند. ساحت زبان دینی در نگاه او منحصر در متن مکتوب ملفوظ نیست و به فرامتن نیز توجه دارد. شاید بتوان گفت متن از نظر صدر کتاب تدوین (قرآن) و فرامتن، کتاب نفس (انسان) و کتاب تکوین (عالم) است. میزان فهم متن و فرامتن به میزان اتحاد میان مخاطب با آنها طی حرکت جوهری مخاطب وابسته است. ریکور هم خواندن متن را راهی برای خواندن خود برمی‌شمارد.

با تکیه بر آراء صدر، وجود است که به اشیا واقعیت می‌بخشد. اثر هنری در خصوص رابطه میان وجود و ماهیت، از تعیینات و محدودیت‌های فعل خاص و جزیی وجود، توسط ذهن انتزاع می‌شود. خداوند، انسان را ذاتاً و صفاتاً و افعلاً بر مثال خود آفریده و لذا این نفس، اقتدار بر ابداع و انشاء صور عقلیه دارد. زمینه‌های فهم و پیش‌ادراک‌های انسان به‌عنوان مولف (هنرمند)...؟ و مخاطب بر این اقتدار ابداع و انشاء تاثیر مسقیم دارد. نیازها، تعلقات، ساحت ادراکی بر گرفته از مرتبه وجودی شخص که با حرکت جوهری به‌سوی کمال و روشن‌شدن در ماهیت زمان و نسبیت آن است و متأثر از بینامتنیت فرهنگ در همه ارکانش از جمله پیش‌ادراک‌ها هستند که در ابعاد مختلف انسان (غریزی، فطری و ارادی) نمودار می‌شوند. گادامر تاویل را مسبوق به زمینه فهم‌پذیری و پیش‌شرط هر تفسیری را مفروضات، علایق و انتظارات تاویلگر می‌داند. به عقیده او، تاویل هرگز نمی‌تواند معنای متن را تمام کند و هر اثر یا متنی از دیدگاه خاصی مورد تفسیر و تاویل قرار می‌گیرد.

صدرالمتهلین تاویل را کشف معنای مشترک میان معرفت تنزل‌یافته با مراتب بالاتر آن معرفت معرفی می‌کند. در تفسیر متن اصالت با قصد مولف است. هایدگر رسیدن به حقیقت اثر را نزدیک‌شدن به عالم درون و افق دید هنرمند معرفی می‌کند. از آثار ملاصدر (به‌خصوص مفاتیح‌الغیب و تفسیرالقرآن)، چنین استنباط می‌شود که وی قائل به قطعیت در معنا و نسبیت در شیوه است. او معتقد است که متن یک ظاهر و یک باطن دارد؛ اما این باطن، فراخور شرافت وجودی متن و تاویل‌کننده به تشکیک است. لیکن مشکک‌بودن باطن سبب تکثر معناهای یک متن نمی‌شود، بلکه بیانگر مراتب متن و نیز فهم مفسر است (نمودار ۴).

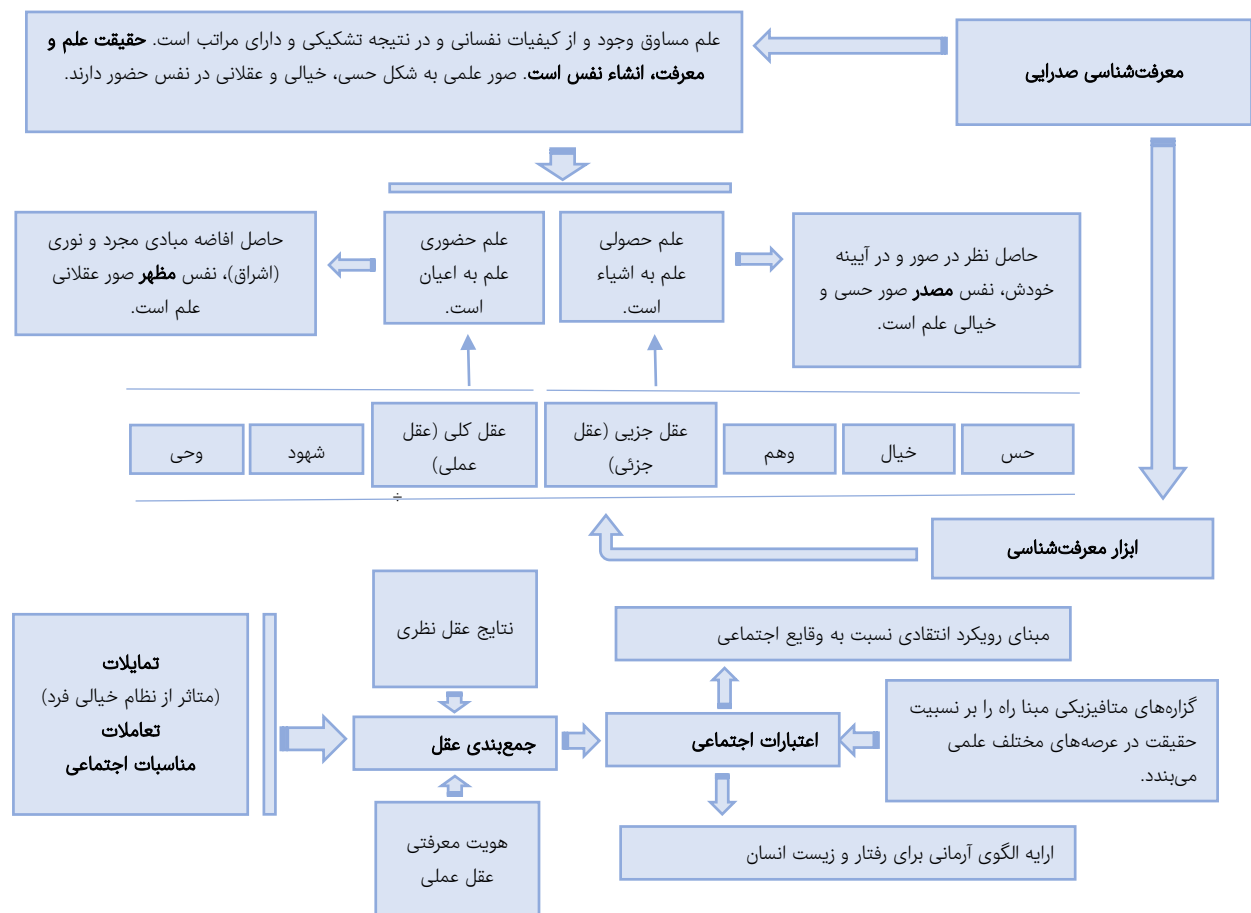
چنانچه، گذشت خوانش معماری از مسیر شناخت معمار و با رویکرد میان‌رشته‌ای است. معماری، به‌عنوان یک متن یا اثر انسان، دارای صورت حقیقی و اعتباری است. در صورت حقیقی خود، مظهر اسما و صفات الهی است و در صورت اعتباری به صورت حسی و معنایی تقسیم می‌شود. صور حسی شامل سازماندهی فضایی و شاخصه‌های مکانی (عملکرد، شکل و سازه) است و صور معنایی را در دیالکتیک درون و بیرون، حس تعلق مکان و آرایه‌ها (متراصف، متضاد، استعاری، ایهام) مشاهده می‌کنیم.

آثار هنری و از جمله معماری، حقیقتی را که از وجود هنرمند بهره می‌گیرد، در خود نگهداری کرده و آن را به حضور می‌آورند (اسماء

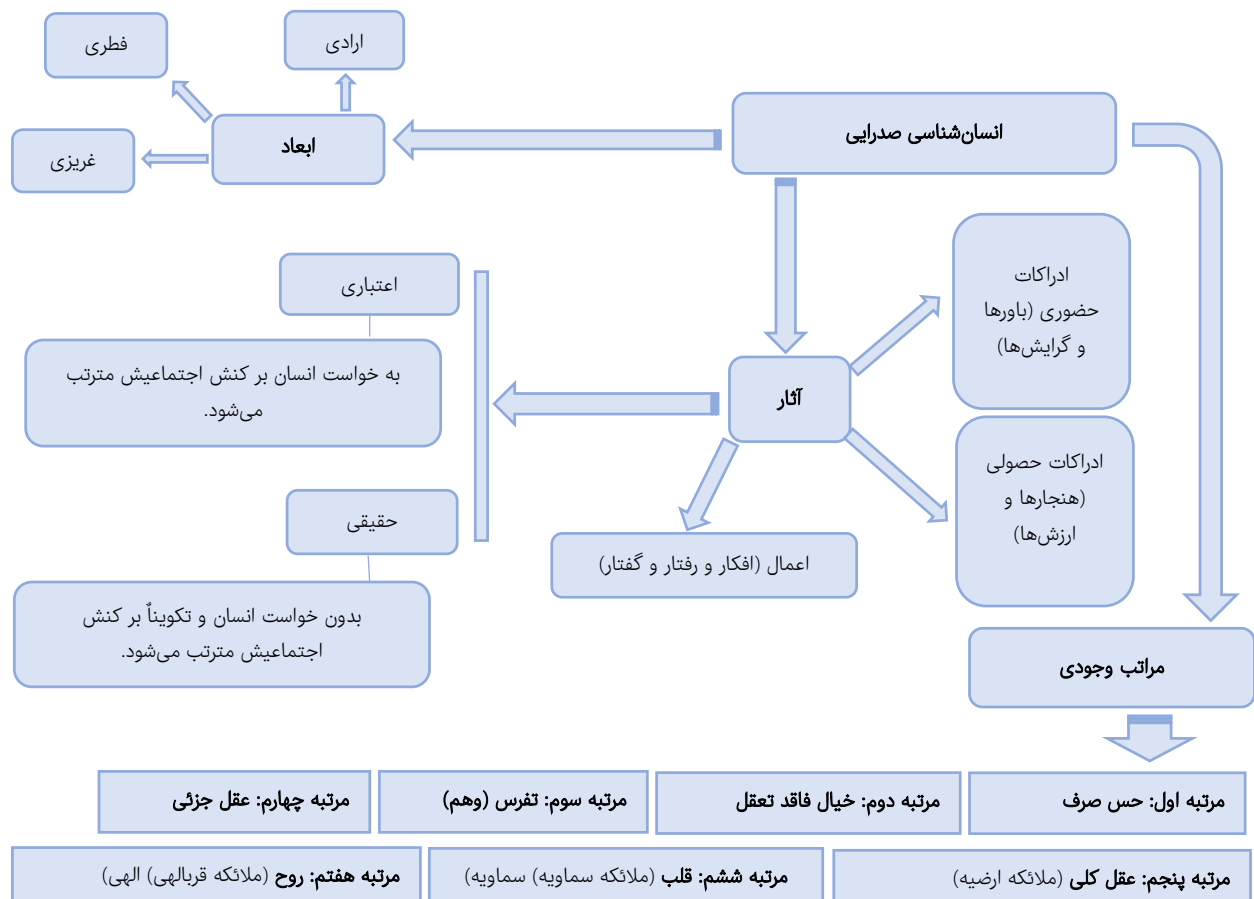
هرمونوتیک پیش‌ادراک نام می‌دهند که سبب شروع جست‌وجو در تبیین و فهم شده و آغازگاه دریافت حقیقت به‌ویژه در متن است. عدم ژرف کاوی در این مفهوم، مفسر را از مقاصد گوهری خود دور خواهد کرد؛ لذا هنگام خواندن معماری با درنظرگرفتن پیش‌فهم به تاویل درست‌تری دست خواهیم یافت. مثلاً باید دید که می‌خواهیم معماری را با رویکرد زیبایی‌شناسی یا به‌لحاظ رفتاری یا تعامل شناختی-عاطفی مطالعه کنیم؛ در نتیجه در هر کدام از این رویکردها عوامل موثر مربوطه را مورد مطالعه قرار خواهیم داد. مسائل چندعاملی از طریق مطالعات بین رشته‌ای و اخذ رهیافت کثرت‌گرایانه قابل تشخیص و حل هستند. کثرت‌گرایی روش‌شناختی، بهره‌مندی ضابطه‌مند از علوم مختلف است و در غیر این صورت به التقاط علوم می‌انجامد. توجه به اینکه پدیدارها تبیین‌های مختلف اما سازگار و قابل هم‌نشین می‌پذیرند، یکی از پیشرفت‌های معرفتی و روش‌شناختی پژوهشگران است. در این رویکرد، نوآوری به‌معنای دستیابی به نظریه‌های جدید، به‌ندرت حاصل می‌شود؛ اما نوآوری به‌معنای ایجاد سامان جدید معرفتی نتیجه آن است. دامنه کاربرد کثرت‌گرایی روش‌شناختی محدود به مسائل چندتباری است. رویکرد میان‌رشته‌ای برخلاف تتبع چند رشته‌ای، رهیافت علوم مختلف را کنار هم نمی‌نهد، بلکه آنها را در تعامل منطقی به دیدگاهی جامع‌تر یا رویکردی فراتر بارور می‌سازد.

الهی بنیادی‌ترین و اصلی‌ترین حقایقی‌اند که همه پدیده‌ها از جمله پدیده‌های اجتماعی به آنها اشاره می‌کنند. همچنین بازنمای اعتباراتی هستند که هنرمند طی حرکت جوهری در مراتب مختلف وجودی و با استفاده از ابزار معرفتی متناسب با آن مرتبه، برای پاسخ به نیازهایش (فیزیکی، روانی، عاطفی و اجتماعی)، به پشتوانه مولفه‌های فرهنگی که شامل: باورها، ارزش‌ها، آداب و رسوم، جغرافیا و زمان است، در ساحات ادراکی خود، نایل به کشف و خلق آثار هنری می‌شود. اگر مطابق صدر/ بپذیریم انسان با اثر هنری خود به اتحاد می‌رسد، آنگاه هرگز نمی‌توانیم اثر هنری و معماری را به‌وسیله توصیفی تمام و کمال محصور سازیم. فهم معماری یا اثر، حاصل تعامل میان سه‌گانه معمار، اثر و مخاطب است. نظام معرفتی افراد که متأثر از مرتبه وجودی آنها است، نه‌تنها ابعاد وجودی انسان (ارادی، فطری و غریزی) را متأثر ساخته که از عوامل سازنده تمایلات و تعاملات فردی و اجتماعی انسان و ترسیم‌کننده اعتبارات اجتماعی برای هر فرد است. این مفاهیم یا احکام در تمامی آثار اعتباری انسان نمود داشته و منتج به ارایه الگوهای آرمانی برای رفتار و زیست انسان و مبنا و اساسی برای رویکرد انتقادی نسبت به واقعیت‌های اجتماعی است. او با خلاقیت، ابزار و فن بیان به ایجاد معنا، ظاهر و باطن در اثر معماری و همچنین تفسیر آن می‌پردازد (نمودار ۵).

هر تلاشی برای فهم متن وابسته به پرسشی است که آن را در



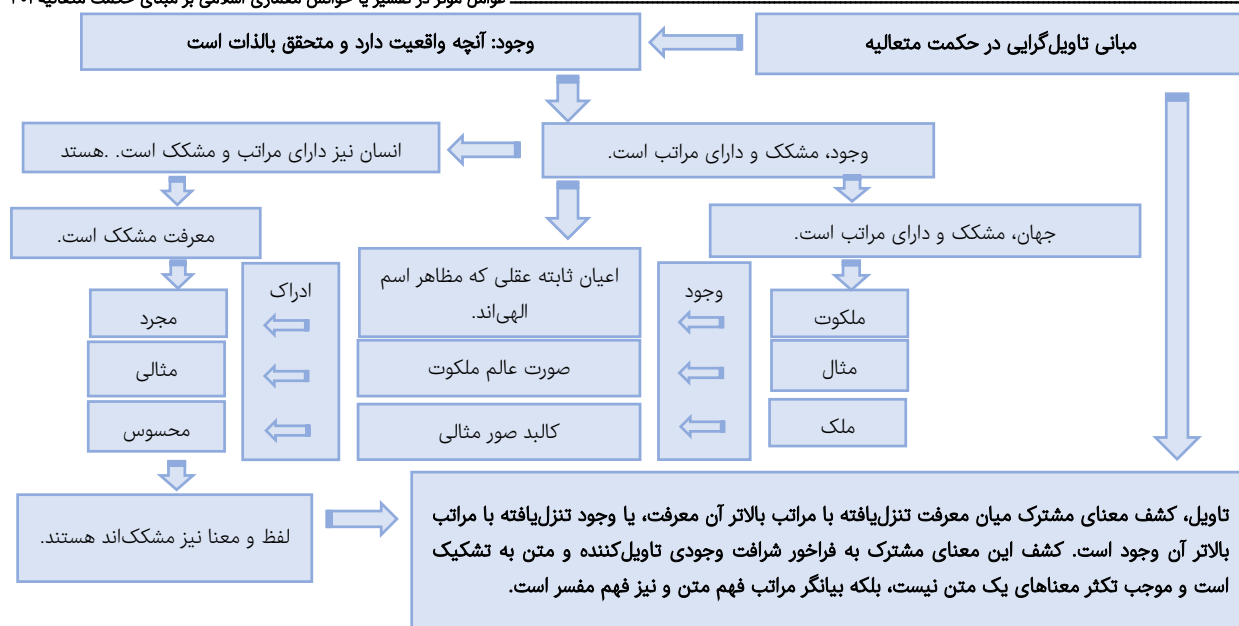
نمودار ۲) معارف‌شناسی از منظر حکمت متعالیه



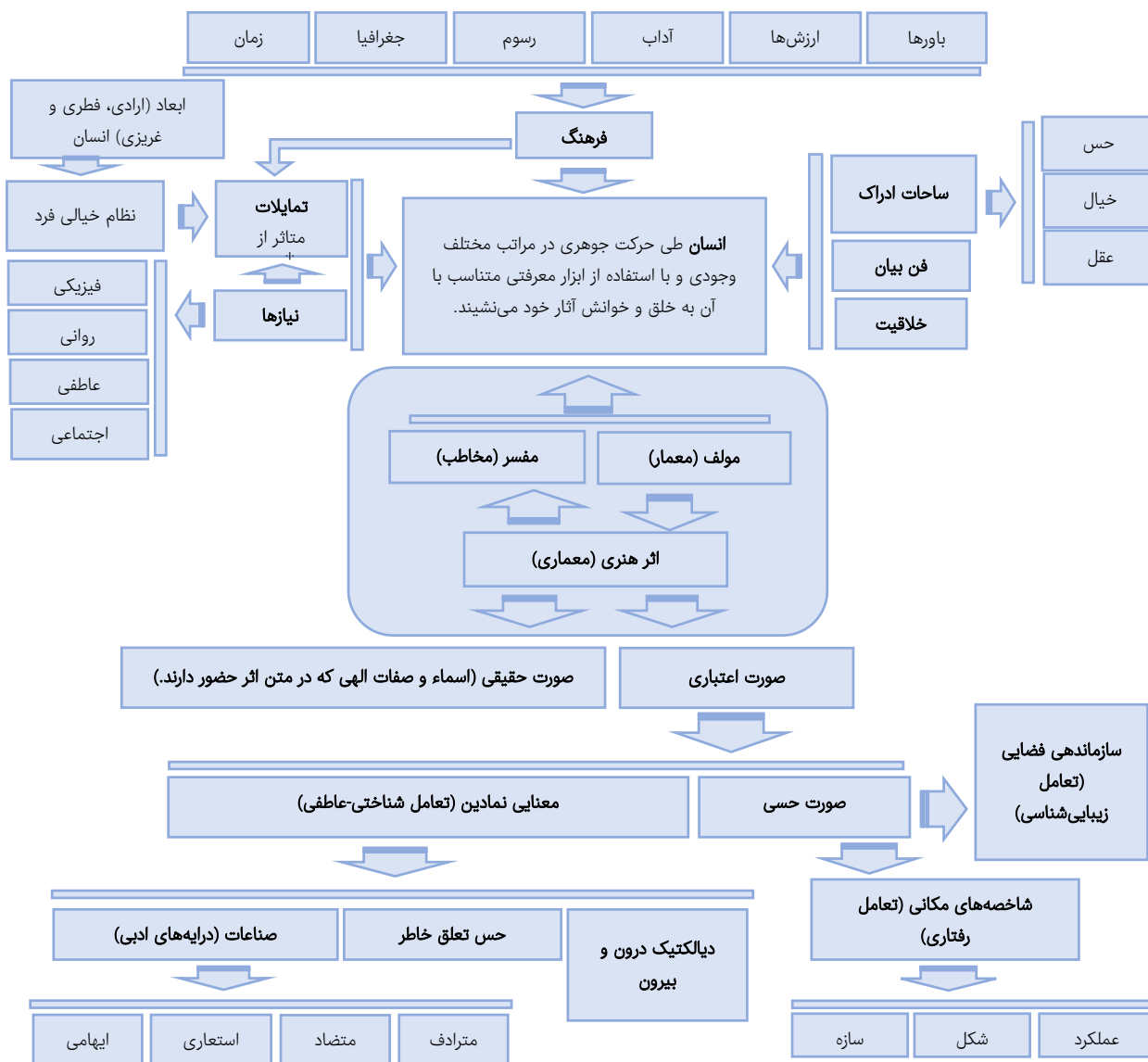
نمودار ۳) انسان‌شناسی از دیدگاه حکمت متعالیه

جدول ۱) روش‌های چهارگانه تفسیر در تمدن اسلامی از نگاه صدرالمتألهین

روش تفسیر	فهم متن	نظریه	نظام	مفسران
روش اهل لغت	تشبیه	تاویل بر لغت و واژه‌شناسی استوار است (همه الفاظ قرآن کریم را باید به مفهوم ظاهر و اولیه آنها حمل کرد، حتی اگر آن معنی با قواعد عقلی سازگار نباشد). این گروه معتقدند توصیف خداوند با اوصاف محسوس جایز است؛ بنابراین این فرقه را مشبیه یا اهل تشبیه نامیده‌اند.	معتقدند اگر مدلول اولیه لفظ متشابه با برهان‌ها و قواعد عقلی تعارض داشته باشد، باید آن را به‌معنای دیگر تاویل کرد الفاظ از مفهوم نخستین خود به مفهوم دوم تاویل می‌شوند، به‌گونه‌ای که با معیارهای عقلی همخوانی داشته باشند. در نظر آنها پابندی به اصل تنزیه خداوند از نقایص امکانی، مستلزم آن است که صفات نقص را به خداوند نسبت ندهیم.	بیشتر فقهاء، محدثین از حنبلیان و کرامیه
				فلاسفه
روش صاحبان خرد	معنای نزول قرآن در این مسیر عبارت از «تلاوت عبد بر حق» است	تنزیه	درمورد آنچه که مربوط به مبدأ است روش تنزیه را برمی‌گزینند و تاویل می‌کنند و در مورد آنچه راجع به معاد، صراط، دوزخ و جنت است، قاعده تشبیه را به‌کار می‌بندند و لفظ را به‌معنای ظاهر اخذ می‌کنند.	بسیاری از مفسران معتزلی همچون زمخشری و اغلب علمای اعتزالی و اشعری
روش میانی	جمع میان تشبیه و تنزیه			
روش راسخین استواران در دانش	از مسیر مولف (ویژه افرادی خاص) است. معنای نزول قرآن در این مسیر عبارت از «تلاوت حق بر عبد» است	راسخین در علم	الفاظ و اوصاف متشابه را نمی‌توان به مفهوم دیگری غیر از مفهوم حقیقی لفظ تاویل کرد. اساساً مقصد وحی همان معنا و مفهوم حقیقی لفظ است، اما نه مفهومی که آمیخته با امور زاید باشد؛ بلکه مفهومی که از هیئت‌های مخصوص و خصوصیات مصادیق مبرا باشد؛ با بصیرت و اندیشه درست که به نور الهی درخشان شده به آیات نگریسته و با مشربی صحیح به تفسیر و تاویل می‌پردازند	



نمودار ۴) حکایت‌گری و تاویل در حکمت متعالیه



نمودار ۵) انسان و عوامل تاثیرگذار در خلق و خوانش معماری

نتیجه‌گیری

وجودشناسی محیط زندگی بشری، کشف مجدد عالم به‌مثابه تمامیتی متعین از ذات وجود محقق‌شده را فراهم کرده و همراه با آن، توسعه مجدد حس ادراک و احترام و توجه به ماهیات را ممکن می‌سازد. چنانچه بنا به سیاق صدرایی به معماری به‌مثابه فعالیتی ترکیبی مرکب از «صور حقیقی و اعتباری» بنگریم، در این حال می‌بایست خود را با شکل زندگی به‌عنوان تمامیتی معنادار تطبیق دهد. وقتی اثر معماری از جنبه زمان و مکان مادی رها شده و اثری جاودانه می‌شود که معمار با علم معماری و اثر معماری به اتحاد می‌رسند و وظیفه اصلی معماران شکل‌دهی به فضاهای زیستی و فراهم‌کردن شرایطی است تا مولفه‌های دیگر در پیوستن به هم، هویت انسان را عینیت بخشیده و محتوای لازم را برای حضور او ایجاد کنند. بنابراین برای ارایه تفسیر معماری، ضمن شناخت عوامل تاثیرگذار بر خوانش معماری معرفی‌شده، بهره‌برداری از روش‌های مطالعه میان‌رشته‌ای از اهم اموری است که در پیش رو داریم تا به روش تفسیر معماری با روش‌شناسی فلسفه ملاصدرا دست یابیم.

تشکر و قدردانی: موردی از سوی نویسندگان ذکر نشده است.

تاییدیه اخلاقی: موردی از سوی نویسندگان ذکر نشده است.

تعارض منافع: موردی از سوی نویسندگان ذکر نشده است.

سهم نویسندگان: رویا صدیقی (نویسنده اول)، پژوهشگر اصلی (۳۵٪)؛ سیامک پناهی (نویسنده دوم)، پژوهشگر کمکی (۳۵٪)؛ منوچهر فروتن (نویسنده سوم)، پژوهشگر کمکی (۲۰٪)؛ سیدموسی دیباج (نویسنده چهارم)، پژوهشگر کمکی (۱۰٪).

منابع مالی: موردی از سوی نویسندگان ذکر نشده است.

منابع

- Norberg-Schulz C. Genius loci: Towards a phenomenology of architecture (1979). In: Cody J, Siravo F, editors. Historic cities: Issues in urban conservation. 8th Volume. Unknown City: Getty Publications; 2019.
- Diba D. Contemporary architecture of Iran. Archit Des. 2012;82(3):70-9.
- Mahdavinejad M. Education of architectural criticism. HONAR-HA-YE-ZIBA. 2005;23(23):69-76. [Persian]
- Mahdavinejad M. Discourse of high-performance architecture: A method to understand contemporary architecture. HOVIAT-E SHAHR. 2017;11(2):53-67. [Persian]
- Farshid Nik F, Afhami R, Ansari M, Nabavi L. The role of dynamic equilibrium in the continuous perception of in Iranian Islamic urbanism. NAQSHEJAHAN. 2016;5(3):30-40. [Persian]
- Amini M, Mahdavinejad M, Bemanian M. Future of interactive architecture in developing countries: Challenges and opportunities in case of Tehran. J Constr Dev Ctries. 2019;24(1):163-84.
- Mahdavinejad M. Islamic art, challenges with new horizons and contemporary beliefs. HONAR-HA-YE-ZIBA. 2003;12(2):23-32. [Persian]
- Mahdavinejad M. Wisdom of Islamic architecture: Recognition of Iranian Islamic architecture principles. HONAR-HA-YE-ZIBA. 2004;19(19):66-57. [Persian]
- Pourjafar M, Akbarian R, Ansari M, Pourmand H. Conceptual approach in Persian architecture. SOFTEH. 2008;16(3-4):90-105. [Persian]
- Noghrekar A, Raeisi MM. Realization of Islamic identity in architectural works. SHAHR-E IRANI ESLAMI. 2012;7(5):5-12. [Persian]
- Latifi M, Diba D. Data mining of the spatial structure of Qajar native housing; Case study: Jangjouyan House of Isfahan. NAQSHEJAHAN. 2020;10(3):163-71. [Persian]
- Mahdavinejad M, Hosseini SA. Data mining and content analysis of the jury citations of the Pritzker Architecture prize (1977-2017). J Archit Urban. 2019;43(1):71.
- Bolouhari S, Barbera L, Etessam I. Learning traditional architecture for future energy-efficient architecture in the country; Case study: Yazd city. NAQSHEJAHAN. 2020;10(2):85-93. [Persian]
- Mahdavinejad M, Zia A, Larki AN, Ghanavati S, Elmi N. Dilemma of green and pseudo green architecture based on LEED norms in case of developing countries. Int J Sustain Built Environ. 2014;3(2):235-46.
- Mahdavinejad M. Designerly approach to energy efficiency in high-performance architecture theory. NAQSHEJAHAN. 2020;10(2):75-83. [Persian]
- Fallahtafti R, Mahdavinejad M. Optimisation of building shape and orientation for better energy efficient architecture. Int J Energ Sect Manag. 2015;9(4):593-618.
- Haghighatbin M, Ansari M, Zabihian S. Howard's and Safavid's garden cities' principles (a comparative study). NAQSHEJAHAN. 2012;2(1):67-78. [Persian]
- Latifie M, Daneshjoo K. The creation of an architectural work within the creation of the universe regarding the Holy Quran. NAQSHEJAHAN. 2016;6(2):5-15. [Persian]
- Pourjafar M, Moradi A. Explaining design dimensions of ecological greenways. Op J Ecol. 2015;5(3):54537.
- Taban M, Pourjafar M, Bemanian M, Heidari S. Climate impact on architectural ornament analyzing the shadow of Khavoons in Dezful historical context with the use of image processing. NAQSHEJAHAN. 2012;2(2):79-90. [Persian]
- Pourjafar M, Mahmoudinejad H, Ahadian O. Design with nature in bio-architecture with emphasis on the hidden rules of natural organism. Int J Appl Sci Technol. 2011;1(4):74-83.
- Faghfoori R. Wisdom of Islamic architecture, a deep analysis to structure and contents of luster altar of Razavi Holy Shrine. NAQSHEJAHAN. 2014;4(1):7-15. [Persian]
- Nikkhaah-Ghamsari N, Kazemin-Araani F. A reflection on methodology in humanities. ASRA HIKMAT. 2012;4(4):155-83. [Persian]
- Mosavi Gilani S. Surveying and criticizing the viewpoint of traditionalists on Islamic art. Theol Art. 2014;2014:(2014):46-64. [Persian]
- Jafari A, Abdi H. Criticism of critical realism based on new Sadra's realism. Interdisciplinary Q Fundam Res Human. 2017;3(1):51-72. [Persian]
- Amoorezaei F. Analyzing the position of mystical intuition, imagination and reason in Mola Sadra and Ibn Arabi theosophy. Int J Multic Multirelig Underst. 2020;7(3):143-55.

of educational and cultural dimensions of globalization in the views of Ayatollah Javadi-Amoli. *Int Educ Stud*. 2017;10(1):172-8.

30- Einifar A, Khademzade M. Recognition of the architecture of Yazd in Atabakan period, using historical documents (Case study: Atabak Qotb-Al'Din's Dowlat-Khaneh complex). *J Archit Urban Plann*. 2011;3(6):123-38. [Persian]

27- Zareh Neyestanak M. The Relationship between creativity and social intelligence in students at Allameh Tabatabai and Shahid Beheshti Universities. *Mil Caring Sci*. 2019;6(1):61-8. [Persian]

28- Hassanzadeh H. The ontology of truthfulness from the perspective of Professor Javadi Amoli. *Res Q Islam Eth*. 2019;12(45):55-68. [Persian]

29- Soltaninejad N, Keshtiaray N, Vaezi SH. Explanation